روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۹۴۲۰۳۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه • ۷ مرداد ۱۳۹۹ • ۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ • ۲۸ جولای ۲۰۲۰
سال هفدهم • شماره ۳۷۷۸ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۲
اذان صبح فردا ۴:۳۲ • طلوع آفتاب ۶:۱۰

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

این روزها ورزش با ماسک در پارک‌ها به دلیل تعطیلی باشگاه‌های ورزشی انجام می‌شود. عکس: تهمینه رحمانی، فارس

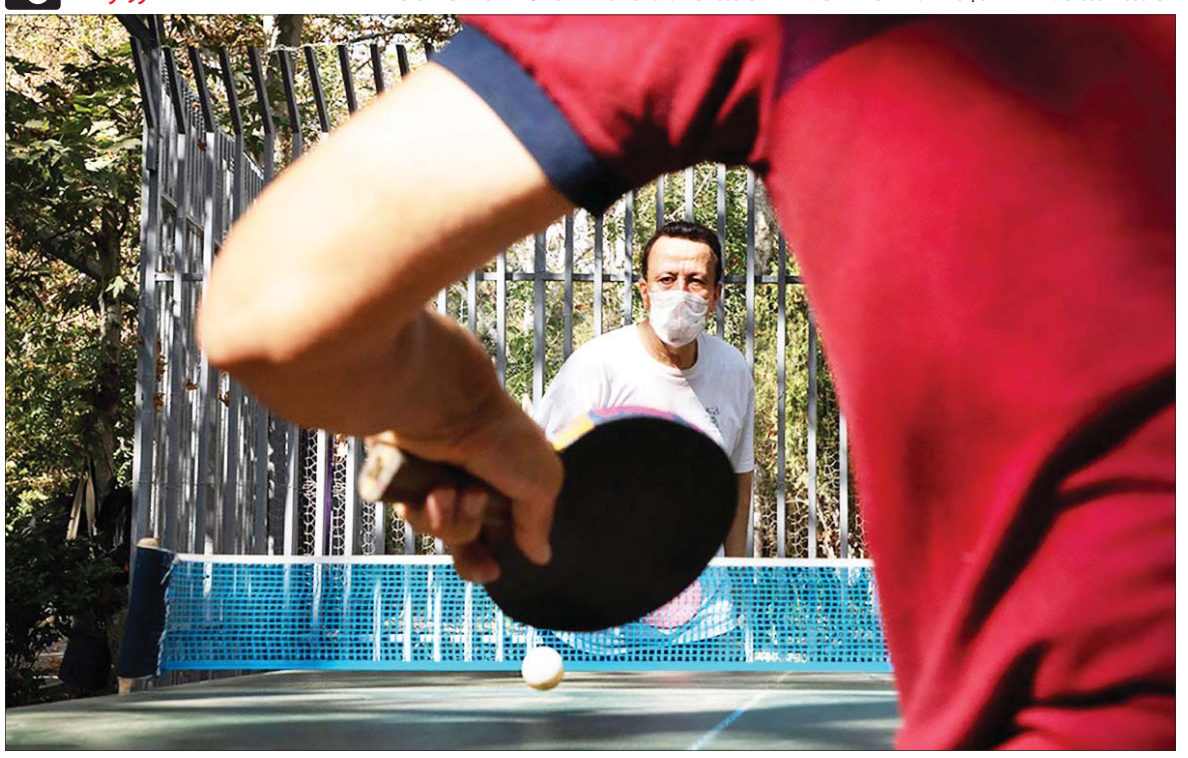

پیشخوان

چشم‌انداز صنعت در سنگلاخ

شماره جدید نشریه چشم‌انداز ایران، این بار با مروری بر مشکلات صنعت و مسیر سنگلاخی که افراد فعال در این حیطه پشت سر می‌گذارند، منتشر شد. همچنین در گفت‌وگویی با اسماعیل حمیدی و ابراهیم اصغرزاده به نحوه شکل‌گیری دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه‌ها پرداخته شده است. لطف‌الله میثمی، مدیرمسئول، در این شماره با مطلبی به‌عنوان تحولی با کمترین هزینه با تشریح مسائل مبتلابه جامعه این سؤال را از طرف خود و جمعی از اهالی فکر و اندیشه مطرح کرده است که «عمل صالح زمان چیست؟ عملی که دربرگیرنده همه اعمال دیگر باشد؟». در بخشی از پیشنهادش چنین آمده است: «تنها راه، تمرکز بر قانون اساسیِ ثمرهِ انقلاب، قانون‌گرایی، حق شهروندی، همراه با مهارت‌های قانونی و در خیلی از زمینه‌ها، بازگشت به قانون اساسی و اجرای بدون تنازل و بدون برجسته‌سازی مواد آن است. در صفحات دیگر این نشریه گفت‌وگوی زهرا بازرگان با زنده‌یاد محمد بسته‌نگار درباره بازرگان آمده و مطلبی درباره سرحدی‌زاده با عنوان «سرحدی‌زاده؛ مؤمن به معنای واقعی» منتشر شده است. در بخش چشم‌انداز سیاست داخلی مطلبی از نقی آقالو درباره «معمای پروژه آزادراه تهران-شمال» نوشته شده و همین‌طور رضا احمدی درباره «جرم سیاسی» نوشته و احسان شریعتی نیز در گفت‌وگویی با عنوان «پرشی برای اندیشیدن پس از گسست» سعی کرده به این سؤال جواب دهد که کدام اندیشمند و فیلسوف برای روزگار کنونی ایران مفید است. محمد مجتهدشبستری مقاله «قرائت هرمنوتیک و فهم قرآن» را نوشته است.

صاف و ساده

طغیان مخاطب در زوال انحصار رسانه‌های بزرگ

قادر باستانی
پژوهشگر ارتباطات و رسانه

این شب‌ها، شبی نیست که مخاطبان در گعده‌های چندده‌نفری تا چند میلیونی، مشغول ارتباط زنده در اینستاگرام نباشند. ظریفی می‌گفت تاریخ ارتباط انسانی را باید به قبل از ایجاد اینستای لایو و بعد از آن تقسیم کرد! آنهایی که صدای‌شان در رسانه‌های ملی و رسمی، بازتاب ندارد، اینجا بازارِ گرم‌تری دارند. هر اتفاق سیاسی یا اقتصادی که می‌افتد، سیل خشونت‌بار لایوهای پرالتهاب جاری می‌شود و عقلانیت و اعتدال، به محاق می‌رود. وقتی در دهه ۷۰، خطرِ آمدن ماهواره‌های تلویزیونی مطرح شد، عده‌ای دلسوزانه گفتند که بیایید انحصار صداوسیما را بشکنید و آن را مردمی کنید. کسی گوشش بدهکار این حرف‌ها نبود. گفتند، قانون اساسی این‌طور خواسته و باید انحصار باشد. البته قانون اساسی، بانک و بیمه و صنایع بزرگ را هم در انحصار گذاشته بود؛ اما انحصارشان را شکستند. هنوز هم نه‌تنها میل به شکستن انحصار صداوسیما ندارند؛ بلکه با تسری آن به تولید محتوا در فضای مجازی، چتر انحصارش را گسترده‌تر می‌کنند. برخی راه‌حلشان ممنوع‌کردن است که اگر تاریخ خوانده بودند، می‌دانستند که این ممنوعیت‌ها، هیچ افاقه‌ای نمی‌کند. آنها نمی‌دانند فناوری، خیلی وقت است که انحصار صداوسیما و رسانه‌های رسمی را شکسته است. اگر همان ۲۰ سال پیش، اینها را مثل روزنامه و مجله، مردمی کرده بودند و به نظارت صرف، بسنده می‌کردند، ما امروز با چنین آشفته بازارِ کنترل‌ناپذیری در فضای مجازی مواجه نبودیم. فناوری‌های جدید ارتباطی، میزان خصومت متقابل و سرعت گسترش خشم عمومی را افزایش داده است. برخی معتقدند هدف ابتدایی رسانه‌های اجتماعی، آن بود که جهان را آزادتر و انسان‌ها را متصل‌تر کند. اوایلِ گسترش فضای مجازی، چنین تصور می‌شد که افزایش چشمگیر اتصال انسان‌ها در مقیاسی جهانی، برای دموکراسی خوب است؛ اما اکنون این خوش‌بینی رنگ باخته و فهرست مضرات آن رشد کرده است: تجربه مباحث سیاسی آنلاین، با عصبیت بیشتر و عقلانیت و نزاکت کمتری همراه است. افراد متعصب، جهان‌بینی‌های پرخطر می‌آفرینند که می‌توانند هر لحظه افراطی‌تر شوند و ایدئولوژی‌های خشونت‌بار، اعضای جدید به خود جذب می‌کنند. یک روان‌شناس اجتماعی معتقد است وقتی فردی در ارتباط شخصی با فرد دیگر، ابراز خشم کند، ناراحت‌کننده خواهد بود؛ اما اگر ابراز خشم، در حضور گروهی از مخاطبان باشد، جایگاه فرد خشمگین بالاتر می‌رود. من در یک پژوهش علمی در سال ۱۳۹۷ دریافتم که یک کانال خبری فارسی‌زبان در فضای مجازی، هر چقدر خبر دروغ بیشتری منتشر می‌سازد، مخاطب بیشتری به خود جذب می‌کند! پژوهشگران دانشگاه نیویورک، دو سال پیش، میزان بازنشر ۵۰۰ هزار توییت را سنجیدند و دریافتند که هر کلمه احساسی یا اخلاقی خشم‌آلود، به طور میانگین ۲۰ درصد بازنشر آن را افزایش می‌دهد. مرکز پژوهشی معتبر پیو، در تحقیق جامع خود دریافت پُست‌هایی که نمایانگر مخالفت خشمگینانه بودند، تقریبا دو برابر دیگر پُست‌ها، لایک می‌خوردند و بازنشر می‌شدند. امروزه رسانه‌های اجتماعی، تعداد زیادی از شهروندانِ دل‌مشغول با سیاست را به آتش‌افروزانی تبدیل کرده است که برای خلق پرالتهاب‌ترین پُست‌ها و تصاویر، با هم رقابت می‌کنند. هشتگ #اعدام-نکنید، نمونه کوچکی از طنین رسانه‌های اجتماعی است؛ درحالی‌که رسانه‌های رسمی و دولتی و رسانه ملی، این وسط نقشی جز نظاره‌گری ندارند. اگر رادیو و تلویزیون، انحصاری نبود و رسانه‌های رسمی، این محدودیت را نداشت، آنها می‌توانستند میانجی مناسبی میان حاکمیت و افکار عمومی باشند. فشار، محدودیت و ممنوعیت، ارتباطات انسانی را زیرزمینی، خشن و کنترل‌ناپذیر می‌کند. رفتارهای پرخطر افکار عمومی، نتیجه محدودیت‌های فزاینده است. مجلس یازدهم هم که در پی تثبیت و توسعه محدودیت برای رسانه‌های مستقل است، می‌تواند امکان بروز خطرات بالقوه اجتماعی را بیشتر کند. پس ضرورت دارد دلسوزان و مسئولان آینده‌نگر، روند کنونی را دریابند و برای احتراز از آنارشیسم و مناسبات افراط‌گونه، چاره‌اندیشی کنند. ساده‌ترین کار آن است که انحصار را بردارند همان‌طور که انحصار بانک و بیمه را شکستند. همچنین با اعتماد به رسانه‌های داخلی، خطوط قرمز ناکارآمد را که مزیت رقابتی رسانه‌های رسمی و مجوزدار را از میان برده است، به‌تدریج حذف کنند. رسانه‌های اجتماعی، فی‌نفسه بد نیستند و قدرت انجام کارهای خوب را دارند. هر فناوری ارتباطی جدید، دامنه‌ای از تأثیرات سازنده و مخرب را به همراه دارد. هنر حاکمان فرهیخته آن است که تأثیرات سازنده را تقویت و از اثرات مخرب پیشگیری کنند.

راه تقویت تأثیرات سازنده، اعتماد به حرفه‌ای‌های مستقل است. کنترل رسانه‌های بزرگ و پربسامد، باید دست حرفه‌ای‌های مستقل باشد که با روایت درست، غیرسوگیرانه، منصفانه و متوازن رویدادها و تحلیل منطقی منطبق با واقعیت اخبار، نظر مخاطبان را به خود جلب کنند و بازار انبوه رسانه‌های اجتماعی دروغ‌زن پرمخاطب را از رونق بیندازند. این تحول عمیق، اراده بزرگی می‌طلبد. صاحبان اراده، یکی، دو روز در اینستاگرام، برخی گعده‌های لایو پررونق را دنبال کنند تا بدانند که وقت برای اقدام، بس تنگ است.

قصه‌های شهر

ناپدیدشدن در فلک

گیتی صفرزاده

بعضی افراد عقیده دارند که چیزهای متفاوت و متضاد کنار هم باعث زیبایی زندگی می‌شوند؛ مثلا سیاه و سفیدی کنار هم جلوه دارند و زبری و نرمی با هم معنی پیدا می‌کنند و اصلا کمال زندگی در همین است که زیر و زبر و بالا و پایین نیمه‌های مکمل یکدیگر باشند. حالا اگر نظر شخصی من در این میان اهمیتی داشته باشد (یا در مدار گردش هستی تغییری ایجاد کند) باید اذعان کنم من هم مخالفتی با این نظر ندارم، فقط گاهی اوقات جلوه‌های انسانی چنین نظریه‌ای برایم جالب توجه است.

مثلا این روزها هرجا می‌روم، صحبت از بی‌کاری و کسادشدن اوضاع کار است. دوستان و آشنایان زیادی در گپ‌وگفت‌های مجازی این جمله را تکرار می‌کنند که قربانِ دستت، اگر کاری سراغ داشتی، یک خبر هم به ما بده. فلان دختر دانشجو یا پسر جوان به دنبال کار است و مرد صاحب عیال و اولادی که یک شغل چرخه زندگی‌اش را نمی‌چرخاند، دنبال کار دومی می‌گردد. هرکدام از ما حتما بسیاری از این نمونه‌ها را دیده‌ایم و شنیده‌ایم، ناراحت شده‌ایم و شکی نیست که این یک واقعیت بسیار ملموس در شرایط فعلی جامعه است. از آن طرف دوستان دیگری هم هستند. مثلا کسی که یک‌سالی است دنبال یک شاگرد مناسب برای مغازه‌اش می‌گردد و هر بار من را می‌بیند، می‌گوید شاگرد جدیدش را رد کرده رفته؛ چون حواسش پی کار نبوده، بیشتر دوست داشته گوشه مغازه بنشیند و با گوشی موبایلش ور برود. دوست دیگری که یک شرکت خصوصی دارد، شاکی است. افرادی را که ملتمسانه می‌گویند کاری برای ما جور کن، به دفترش دعوت می‌کند؛ اما همان اول که فهرست کارها را جلوی‌شان می‌گذارد، ابرویی بالا و پایین می‌دهند و می‌گویند اینکه خیلی کار است! آشنای دیگری تعریف می‌کند که در محل کارش هر تازه‌واردی می‌خواهد یک‌شبه ره صدساله برود و صاحبکاری برایم می‌گفت همه کارمندانی که موقع حرف‌زدن می‌خواهند طرحی نو در فلک دراندازند، وقتی صدای‌شان می‌کنم و می‌گویم خب بفرمایید یک خط از این طرح جدیدتان را در عمل ترسیم کنید تا من ببینم و امکانات برای بقیه‌اش بدهم، به طور مرموزی در فلک ناپدید می‌شوند.

البته من این را متوجه می‌شوم که این تضاد شگفت‌انگیز که ما در جامعه تعداد بسیاری آدم بی‌کار و جویای کار در کنار تعداد زیادی کارفرمای به دنبال آدم کاری و مناسب داریم، ریشه در شرایط نابسامان اقتصادی و تسلط گفتمان واسطه‌گری و ارتباط در دستیابی به ثروت‌های بادآورده یک‌شبه دارد؛ یعنی طرف می‌نشیند با خودش حساب می‌کند که من اگر امروز با دستمزد فلان‌قدر این کار را بپذیرم، هفته آینده که یکباره قیمت سکه و دلار ۲۰ درصد افزایش پیدا کرد، دستمزد من که افزایش پیدا نمی‌کند؟ پس‌ازآن، عقل محاسبه‌گرش به راه می‌افتد و شروع می‌کند به ضرب و تقسیم که اگر من در این تعداد سال آن‌قدر حقوق بگیرم و رشد زمین و طلا آن‌قدر باشد و این وسط بچه دومم هم از راه برسد یا احتیاج به عمل قلب باز پیدا کنم، چه اتفاقی می‌افتد؟ با این حساب‌وکتاب‌ها اصلا بی‌خیال آن کار می‌شود یا درست‌وحسابی دل به کارش نمی‌سپرد.

به گمان من ما عقل دوراندیش را با عقل محاسبه‌گر اشتباه گرفته‌ایم. عقل دوراندیش را نیاکان‌مان داشتند که با پیش‌بینی بلایای طبیعی شروع به ساختن چیزهایی می‌کردند. عقل محاسبه‌گر را ما داریم که با محاسبه بلایای غیرطبیعی زندگی‌مان نه چیزی می‌سازیم و نه زندگی می‌کنیم؛ اما دراین‌میان من از همه بیشتر عاشق آن عقل محاسبه‌گر تخیلی هستم که مربوط به آماری است که هرماهه از کاهش نرخ بی‌کاری و افزایش فرصت‌های شغلی جدید منتشر می‌شود. آری، زندگی با همین تضادهایش زیباست!

دغدغه‌های طبیبانه

واکسن کرونا

عبدالرضا ناصرمقدسی
متخصص مغز و اعصاب

● این روزها خبرهای خوشی درباره ساخت واکسن کرونا به گوش می‌رسد. شاید مهم‌ترین آنها خبر ساخت واکسنی در دانشگاه آکسفورد باشد. در مقاله‌ای که هفته گذشته در مجله بسیار معتبر لنست به چاپ رسید، نتایج ابتدایی این مطالعه به چاپ رسید و نشان داد که واکسن ساخته‌شده در این دانشگاه توانسته به افزایش میزان پادتن در بدن داوطلبان منجر شود که شباهت بسیار به ایجاد پادتن در بدن بیمارانی دارد که دچار عفونت کووید-۱۹ شده و از آن بهبود یافته‌اند.

این به آن معناست که این واکسن می‌تواند نویدبخش ایجاد سطحی از ایمنی در افراد برای جلوگیری از ابتلا به کووید-۱۹ و مقاومت در برابر این ویروس باشد. البته این نتایج ابتدایی بوده و باید در مقیاسی بسیار بالاتر نیز آزمایش شوند. چنان‌که محققان اعلام کرده‌اند، قرار است این واکسن بر روی ۳۰ هزار نفر در آفریقای جنوبی، انگلستان، آمریکا و برزیل یعنی مناطقی که شیوع کووید-۱۹ در آنها بالا است، نیز امتحان شود. هم‌زمان با دانشگاه آکسفورد کشورهایی مانند چین و روسیه هم اعلام کرده‌اند که با سرعت تمام در حال پژوهش برای ساخت این واکسن هستند.

اینها همه بسیار نویدبخش است؛ درعین‌حال سؤالاتی نیز وجود دارد که باید به آنها پاسخ داده شود.

آیا این واکسن در افراد پیر یا کودکان نیز همین‌گونه پاسخ خواهد داد. اثر واکسن در کسانی که سطح ایمنی پایینی دارند؛ مثلا کسانی که به بیماری‌هایی مثل سرطان مبتلا بوده یا باید داروهای سرکوبگر ایمنی دریافت کنند، به چه صورت خواهد بود؟

آیا این واکسن‌ها می‌توانند تمام فازهای تحقیقاتی را پشت سر بگذارند؟

ایجاد هر دارو یا واکسنی نیازمند طی‌کردن چندین مرحله تحقیقاتی است که به فازهای تحقیقاتی معروف‌اند. قبل از اینکه یک دارو وارد این فازهای تحقیقاتی یا به‌اصطلاح کارآزمایی‌های بالینی شود، باید شواهد سلولی و آزمایشگاهی شامل کار بر روی حیوانات آن‌قدر کافی و مستدل باشد که اجازه بررسی بر روی انسان‌ها داده شود. در اینجا و بعد از این مطالعات است که کارآزمایی‌های بالینی آغاز می‌شود.

در فاز یک، تست دارو بر روی تعدادی محدود افراد سالم یا بیمار انجام می‌شود. هدف از این فاز بررسی ایمنی دارو در انسان و تعیین دوز مؤثر آن است؛ همانند چیزی که درباره واکسن ساخته‌شده در آکسفورد انجام شد. پس از تعیین مورد فوق، دارو وارد فاز دوم می‌شود. در اینجا بر روی تعداد بیشتری از انسان‌ها آزمایش می‌شود و هدف این فاز تعیین اثربخشی و نیز بررسی عوارض دارویی است.

همانند کاری که الان در کشورهایی که ذکر شد، انجام می‌شود؛ یعنی می‌خواهند ببینند که آیا این واکسن می‌تواند از ابتلای افراد به کووید-۱۹ جلوگیری کند. مشخص است که بهترین جا برای این کارآزمایی جایی است که احتمال ابتلای افراد به کووید-۱۹ بالا باشد؛ یعنی کشورهایی که شیوع بالایی از نظر کووید-۱۹ داشته باشند. وقتی این فاز نیز نتیجه داد، دارو بر روی تعداد خیلی بیشتری باز از نظر اثربخشی و عوارض آزمایش شده و در صورت پاسخ‌دهی اینجا مرحله‌ای است که دارو یا واکسن اجازه ورود برای استفاده عموم یا افراد مدنظر را پیدا می‌کند.

یک فاز چهارم نیز وجود دارد که اصطلاحا وقتی دارو وارد بازار دارویی شد، از سوی بسیاری از شرکت‌های دارویی انجام می‌شود و هدف آن بررسی عوارض دارویی است که قبلا در کارآزمایی‌های پیشین دیده نشده است. اگرچه بسیار محتمل است که درباره واکسن کرونا در صورت موفقیت‌آمیزبودن فاز دو بدون انجام فاز سه، دارو برای مصرف وارد بازار دارویی شود؛ زیرا قربانی‌گرفتن بیش از حد ویروس کرونا این موضوع را موجه می‌کند.

فقط یک سؤال باقی می‌ماند؛ آیا واکسن در اختیار همگان قرار خواهد گرفت؟ بی‌شک همواره تاریخ بشری نشان داده که خیلی‌ها به دلایل واهی در تاریخ زندگی اجتماعی بشر بر دیگران ارجحیت دارند. این موضوع تمامی ندارد و به احتمال بسیار درباره واکسن کرونا نیز اتفاق خواهد افتاد.

موضوع دیگر قیمت واکسن است. آیا شرکت‌ها راضی می‌شوند که واکسن را رایگان در اختیار همه بگذارند؟

من بعید می‌دانم. اینها واقعیات ذات بشری است که باید مورد توجه سیاست‌گذاران بهداشتی ما باشد و شرکت‌های دارویی ما باید به نحوی بسیار جدی در پی تولید چنین واکسن‌هایی باشند. بعید می‌دانم غیر از خودمان کسی به فریاد ما برسد.